

شماره ۱۴۴۴-۱۰

تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۶۴



جمهوری اسلامی ایران  
مجلس شورای اسلامی

بجانب

اداره کل خزانه شورای نگهبان  
شماره ۳۹۱۱  
تاریخ ۱۳۶۴، ۴، ۲۰

شورای محترم نگهبان

لایحه شماره ۷۴۵۸۸ مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۲ دولت در خصوص تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو که در جلسه علنی روز یکشنبه ۱۳۶۴/۴/۱۶ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی بتصویب رسیده است در اجرای اصل نود و چهارم قانون اساسی برای رسیدگی و اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست ارسال میشود. / ن

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی

۱۸  
۱۳۶۴  
۴  
۲۰  
۵۴



جمهوری اسلامی ایران  
مجلس شورای اسلامی

شماره ۱۴۴۴ ق

تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۶۵

پیوست

بیت

اداره کل اسناد و کتابخانه ملی  
شماره ۲۹۱۱  
تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۶۵

لایحه تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو

ماده ۱ - دادگاههای حقوقی به دادگاههای حقوقی "یک" و دادگاههای حقوقی "دو" تقسیم میشوند.

ماده ۲ - دادگاه حقوقی یک تشکیل میشود از رئیس یا عضو علی البدل و یک مشاور.  
ماده ۳ - حق رای یا رئیس یا عضو علی البدل دادگاه است. مشاور مکلف است قبل از اتخاذ تصمیم دادگاه پرونده را دقیقاً مطالعه و بررسی نموده و نظرات خود را کتبا و بطور مستدل اعلام نماید.

تبصره - چنانچه پس از ختم دادرسی مشاور حداکثر ظرف مدت پنج روز نظر مشورتی خود را به دادگاه تسلیم نکند، قاضی دادگاه را سا اتخاذ تصمیم مینماید.

ماده ۴ - دادگاه حقوقی "دو" تشکیل میشود از رئیس یا عضو علی البدل. چنانچه رئیس یا عضو علی البدل نسبت به مواردی نیاز به مشاور داشته باشند میتوانند از رئیس کل دادگاهها و یا رئیس دادگستری حوزه متبوع خود درخواست مشاور کنند رئیس مزبور مکلف به معرفی مشاور است و حکم قاضی پس از مشاوره ملاک عمل خواهد بود.

ماده ۵ - دادگاههای حقوقی "یک" به کلیه دعاوی حقوقی و امور حسبی رسیدگی میکنند مگر آنچه بموجب قانون در صلاحیت دادگاه حقوقی "دو" یا دادگاه مدنی خاص باشد.

ماده ۶ - در نقاطی که دادگاه حقوقی "دو" تشکیل نشده باشد دادگاه حقوقی "یک" میتواند به موزی که در صلاحیت دادگاه حقوقی "دو" است رسیدگی نماید. و کسب نظر مشاور الزامی نیست رای دادگاه حقوقی "یک" در این موارد قابل تجدید نظر شکلی نیست.

ماده ۷ - رسیدگی بها موز ذیل در صلاحیت دادگاههای حقوقی دو است.

۱- امور مربوط به ترکه شامل: مهر و موم ترکه و تصفیه و تقسیم آن.

۲- دعاوی راجع به اموال منقول و غیر منقول و دیون و منافع و زیان ناشی از جرم

و ضمان قهری در صورتیکه خواسته بیش از دو میلیون ریال نباشد.

۳- مطالبه خلع. بید از اعیان غیر منقول در صورتیکه مالکیت مورد نزاع

نباشد و در صورت اختلاف در مالکیت نصاب مذکور در بند (۲) معتبر است.

۴- دعوی رفع مزاحمت و کلیه دعاوی راجع به حقوق ارتفاقی از قبیل حق العبور

و حق المجری در ملک دیگری و امثال آن تا هر میزان که باشد و حقوق انتفاعی بشرطی که بیشتر از نصاب نباشد.

۵- مطالبه وفای بشرط و عهود راجع به معاملات و قراردادها مشروط بها اینکه مورد



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

### تعالی

شماره ۱۴۴۴

تاریخ ۱۹/۴/۴۴

پیوست

مطالبه قابل ارزیابی نباشد والا نصاب دادگاه حقوقی (دو) معتبر است .

۶- درخواست افراز و تقسیم و فروش اموال مشاع ( باستثنای مواردی که قانون

در صلاحیت سازمان ثبت قراردادهاست ) در صورتیکه مالکیت محل نزاع نباشد .

۷- تجدید نظر نسبت به تصمیمات قابل اعتراض واحدهای ثبتی در مورد افراز املاک

مشاع .

۸- دعاوی راجع به روابط موجرو مستاجر به استثنای دعاوی مربوط به تخلیه محل

کسب و پیشه در مناطقی که قانون روابط موجرو مستاجر اجرا میشود ، ولی در خصوص مطالبه

اجور نصاب دادگاه حقوقی (دو) معتبر است .

۹- درخواست تأمین دلائل و امارات و حفظ آنها .

۱۰- درخواست صلح و سازش بین طرفین در هر دعوی و بدون رعایت نصاب .

۱۱- درخواست گواهی انحصار وراثت مگر اینکه دعوی نسب یا زوجیت یا اختلاف

در وصیت یا وصیت نامه طرح شود یا اختلاف در اصل نکاح و طلاق باشد که در این صورت

دادگاه مدنی خاص صلاحیت رسیدگی به انحصار وراثت را هم دارد .

۱۲- دعاوی راجع به حقوق مالی از قبیل حق شفعه و حق فسخ و دعوی بطلان

معامله و بی اعتباری سند در صورتیکه حق یا مورد معامله بیش از حد نصاب نباشد .

۱۳- دعوی مزاحمت و ممانعت از حق و تصرف عدوانی در عین غیر منقول تاهر میزانی

که باشد .

ماده ۸- در صورت تراضی کتبی طرفین دعوا دادگاه حقوقی (دو) میتواند تا هر

میزانی که باشد به آن دعوا رسیدگی نماید .

ماده ۹- اگر در مقرر دادگاه حقوقی (دو) دادگاه حقوقی (یک) نباشد دادگاه حقوقی

(دو) به امور زیر نیز رسیدگی خواهد نمود .

۱- دعاوی که خواسته آن تا چهار میلیون ریال باشد .

۲- دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال و شکایات اشخاص ذینفع از تصمیمات هیات

حل اختلاف ثبت احوال .

تبصره - احکام مربوط به این موارد نظیر دیگر احکام دادگاههای حقوقی ( دو)

جز در موارد ماده ۱۲ قطعی است .

ماده ۱۰- در مورد احکام غیابی محکوم علیه غایب حق دارد ظرف یکماه از تاریخ

رویت یا اطلاع از حکم به آن اعتراض نماید مگر اینکه اعتراض از حق ثابت شود

دادخواست اعتراض در دادگاه صادرکننده حکم به ترتیب مقرر برای دادخواست اصلی

رسیدگی میشود .



### بسم الله تعالی

ماده ۱۱- چنانچه محکوم علیه پس از اجرای حکم از مفاد آن مطلع شده و خواهی نماید و در رسیدگی بعدی حکم به نفع و خواه صادر شود در صورتیکه مدعی سبب ورود ضرر باشد محکوم به پرداخت ضرر ناشی از اجرای حکم اولی به خواه میباید.

ماده ۱۲- احکام و قرارهای دادگاههای حقوقی جز در موارد زیر قطعی است .  
الف- جائیکه قاضی قطع پیدا کند که حکم شرع بر خلاف موازین قانونی و یا شرعی بوده است .  
ب- جائی که قاضی دیگر بعلت عدم توجه قاضی اول به قواعد و موازین ضروری و مسلم فقهی قطع به مخالفت حکم او با موازین قانونی یا شرعی پیدا کند .  
ج- جائی که ثابت شود قاضی صلاحیت رسیدگی و انشاء حکم را در موضوع پرونده نداشته است .

تبصره - مرجع تجدیدنظر تصمیمات دادگاه حقوقی ( دو ) دادگاه حقوقی ( یک ) است و احکام صادره از دادگاه حقوقی ( یک ) در این موارد قطعی است . لکن چنانچه در رسیدگی دادگاه حقوقی یک نیز یکی از سه مورد بالا تحقق یافت ، رسیدگی در دیوان عالی کشور صورت خواهد گرفت .

ماده ۱۳- قرارهای صادره ذیل از دادگاههای حقوقی ( یک ) و ( دو ) به تنهایی قابل تجدیدنظر است که مرجع تجدیدنظر و نقض قرارهای دادگاههای حقوقی یک دیوان عالی کشور خواهد بود .

۱- قرار رد یا ابطال دادخواست .

۲- قرار سقوط دعوی .

۳- قرار رد دعوی یا عدم استماع آن

۴- قرار عدم صلاحیت

۵- قرار عدم اهلیت یکی از طرفین دعوی .

تبصره - رسیدگی پس از فسخ قرار بهمان دادگاه صادرکننده قرار ارجاع خواهد شد .

ماده ۱۴- در دادگاه حقوقی یک ، رئیس دادگاه پس از رسیدگی به دعوی و مطالعه پرونده و نظریه مشاور و نظر خود را به طرفین ابلاغ مینماید و چنانچه حد اکثر طرف هر روز مورد اعتراض طرفین یا یکی از آنها نبود رای میدهد و چنانچه نظریه مورد اعتراض هر دو طرف یا احد طرفین بود ، بدون انشاء رای نظر و استنباط قضائی خود را با ذکر دلیل بطور کتبی به دیوان عالی کشور میفرستد . دیوان عالی کشور پس از ملاحظه نظریه دادگاه و رسیدگی به پرونده چنانچه نظریه راصحیح و موجه تشخیص داد آنرا تأیید و پرونده را اعاده مینماید تا رئیس دادگاه انشاء حکم کند . در این صورت رای صادره قطعی است .

ماده ۱۵- هرگاه دیوان عالی کشور نسبت به نظریه قضائی دادگاه حقوقی یک ایراد

## تعلیه

داشته باشد یا نقائصی را مشاهده نماید نظر خود را مستدلا همراه با پرونده به دادگاه رسیدگی کننده ارسال مینماید، چنانچه دادگاه نظر دیوانعالی را پذیرفت مطابق آن حکم مقتضی صادر خواهد کرد. در غیر این صورت پرونده را نزد ریاست کل دادگاهها ارسال مینماید تا حسب الارجاع در شعبه دیگری رسیدگی ماهوی شود. شعبه مرجوع الیهها نیز پس از رسیدگی چنانچه نظر دیوانعالی کشور را پذیرفت مطابق آن انشاء حکم مینماید و الا نظر خود را مستدلا همراه با پرونده مجدداً به دیوانعالی کشور میفرستد. در این صورت پرونده در هیات عمومی شعب حقوقی دیوانعالی کشور مطرح و مطابق نظراکثریت مطلق اعضاء به یکی از طرق زیر عمل میشود.

- ۱- در صورتیکه هیات عمومی دیوانعالی کشور نظر یکی از شعب دادگاه حقوقی یک را صحیح و موجه تشخیص دهد پرونده را به همان شعبه میفرستد تا انشاء حکم نماید.
- ۲- در صورتیکه نظرات قضائی دو شعبه رسیدگی کننده مشابهاً بوجه دو صحیح و موجه تشخیص داده شد صورت پرونده به یکی از دو شعبه رسیدگی کننده جهت انشاء حکم ارسال میشود.
- ۳- در غیر موارد مذکور در فوق هیات عمومی طبق نظریه اکثریت مطلق اعضاء پرونده را جهت ارجاع به یکی از شعب دیوانعالی نزد ریاست کل میفرستد و پس از ارجاع شعبه مرجوع الیهها مکلف است نسبت به موضوع پرونده ماهیتاً رسیدگی و حکم مقتضی را انشاء نماید. حکم صادر شده قطعی است.

**ماده ۱۶-** رسیدگی به کلیه دعاوی در دادگاههای حقوقی یک و دو بار عایت قواعد دادرسی اختصاری بترتیب مقرر در قانون آئین دادرسی مدنی خواهد بود. هزینه دادرسی و دفتر در دادگاههای حقوقی دو به میزان هزینه دادرسی و دفتر دادگاه صلح سابق و در دادگاههای حقوقی یک به میزان دادگاه عمومی حقوقی سابق است.

**ماده ۱۷-** ادامه رسیدگی نسبت به دعاوی و اموری که در تاریخ اجرای این قانون در دادگاههای صلح مطرح باشد با دادگاه حقوقی دو و اگر در دادگاههای عمومی حقوقی مطرح باشد با دادگاه حقوقی یک خواهد بود ولی احکام صادره از حیث قابلیت تجدیدنظر و اعمال نظر فرجامی تابع نصاب مذکور در این قانون است.

**ماده ۱۸-** دادگاههای حقوقی یک و دو از تاریخ تصویب این قانون ظرف مدت حداکثر ۳ ماه تشکیل و از آن تاریخ دادگاههای صلح و عمومی حقوقی منحل میگردد.

**ماده ۱۹-** از تاریخ اجرای این قانون کلیه قوانین و مقرراتی که مغایر با این قانون باشد ملغی است.

لایحه قانونی فوق مشتمل بر نوزده ماده و چهار تبصره در جلسه روز یکشنبه شانزدهم تیرماه یکهزار و سیصد و شصت و چهار بتصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. / ن

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی  
۱۳۶۲  
۱۹ خرداد